

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم

﴿﴾

## عربی. زبان قرآن (۲)

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

کد: ۱۱۱۲۰۶

کاری از:

منصوره خوشخو

بهمن ماه

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲



## الدرس الثاني برکرد

في محضر المعلم  
در پیشگاه معلم

{اقرأ وَ رَبِّكَ الْأَكْبَرُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ} العلق: ۳ و ۴

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

في الحصة الأولى كان الطلاب يستمعون إلى كلام مدرس الكيمياء،  
در زنگ اول دانش‌آموزان به سخن معلم شیمی گوش فرا می‌دادند.

وَ كان بينهم طالبٌ مشاغِبٌ قليلُ الأدبِ، يضرُّ الطلابَ بسلوِكِهِ،  
در میان آن‌ها دانش‌آموزی اخلاک‌گر و بی‌ادب بود که با رفتارش به دانش‌آموزان زیان می‌رساند.

يَلْتَفِتُ تارةً إلى الوراءِ وَ يتكلَّمُ معَ الَّذي خَلْفَهُ وَ تارةً يهَمِسُ إلى الَّذي يجلسُ جنبَهُ حينَ يكتُبُ المعلمُ على السَّبورةِ؛  
یک بار رویش را به عقب برمی‌گرداند و با کسی که پشت سرش بود، صحبت می‌کرد و یک بار وقتی که معلم روی تخته می‌نوشت، با کسی که کنارش می‌نشست، آهسته سخن می‌گفت (پیچ پیچ می‌کرد).

وَ في الحصةِ الثانيةِ كان الطالبُ يسألُ معلِّمَ علمِ الأحياءِ تَعَنُّتاً؛  
در زنگ دوم این دانش‌آموز برای میج‌گیری از معلم زیست شناسی سوال می‌کرد؛

وَ في الحصةِ الثالثةِ كان يتكلَّمُ معَ زميلٍ مثلهِ وَ يضحكُ؛  
و در زنگ سوم با یک همکلاسی مثل خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید؛

فَنصَحَهُ المعلمُ وَ قالَ: **مَنْ** لا يَسْتَمِعُ إلى الدرسِ جيداً **يُرْسَبُ** في الإمتحانِ.  
پس معلم او را نصیحت کرد و گفت: هر کس به درس خوب گوش فراندهد، در امتحان مردود می‌شود.

۲

۷

وَلَكِنَّ الطالبَ اسْتَمَرَ على سُلوكِهِ.

ولی آن دانش‌آموز به رفتارش ادامه داد.

فَكَرَّ مِهْرانُ حَوْلَ هذِهِ المُشكلةِ، فَذَهَبَ إلى معلِّمِ الأدبِ الفارسيِّ  
مهران دربارهٔ این مشکل اندیشید، و نزد معلم ادبیات فارسی رفت

وَ شَرَحَ لَهُ القَضِيَّةَ وَ قالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إنْشاءً تَحْتِ عُنْوانِ «في محضرِ المعلمِ»؛  
و موضوع را برایش شرح داد و گفت: دوست دارم انشایی تحت عنوان «در محضر معلم» بنویسم؛

<sup>۲۷</sup> اسْتَمَرَ في: ادامه داد به، را پیگیری کرد

فَوَافَقَ الْمُعَلِّمَ عَلَى طَلْبِهِ ، وَ قَالَ لَهُ: إِنَّ تَطَالُعَ كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ؛

پس معلم با درخواست او موافقت کرد، و به او گفت: اگر کتاب «منیة المرید» از زین الدین عاملی «شهید ثانی» را مطالعه کنی تو را در نوشتن انشایت کمک می‌کند؛

ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانَ إِنْشَاءً وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنَّ تَقْرَأَ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَّابِ فَسَوْفَ يَنْتَبَهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ. دانش‌آموزان بخوانی پس هم‌کلاسی اخلاک‌گرت آگاه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ: وَ این، بخشی از متن انشای اوست:

أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّلْعِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ تعدادی (شماره‌ای) از دانشمندان در زمینه‌های آموزش و پرورش کتاب‌هایی نوشته‌اند، برخی از آن‌ها به یاد دهنده (معلم) و برخی دیگر به یادگیرنده (دانش‌آموز) ارتباط دارد.

وَ لِلطُّلَّابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مِنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ أَهْمُهَا؛ دانش‌آموز در محضر معلم آداب‌ی دارد، هر کس به آن پایبند باشد موفق می‌شود؛ مهم‌ترین آن‌ها [عبارت است از]:

۱- أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. اینکه از دستورات معلم سرپیچی نکند.

۲- الْأَجْتِنَابُ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ. دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است.

۳- أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَأْجِبَاتِ الْمُدْرَسِيَّةِ. اینکه از انجام تکالیف درسی فرار نکند (نگریزد).

۴- عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. نخوابیدن در کلاس وقتی معلم درس می‌دهد،

۵- أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَّابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

اینکه وقتی معلم درس می‌دهد، با دانش‌آموزان دیگر صحبت نکند.

۶- أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ.

اینکه سخن او را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد (یعنی وسط حرفش نپرد)، و صبر کند تا از سخن فارغ شود. (یعنی سخن او تمام شود)

۷. الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَّرُورَةٍ.

با ادب در برابرش نشستن و به او با دقت گوش فرا دادن و به عقب برنگشتن مگر به ضرورت.

لَمَّا سَمِعَ الطُّلَّابُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءَ مِهْرَانَ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ. <sup>لَمَّا + فعل ماضی : وقتی که، هنگامی که</sup>

وقتی که آن دانش‌آموز اخلاک‌گرا انشای مهران را شنید، شرم‌منده شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.

<sup>۲۸</sup> طَلَبٌ: درخواست، فرمایش، تقاضا، خواسته.

<sup>۲</sup> معانی و کاربردهای مختلف:

أَلْفُ الشَّيْءِ: بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.

أَلْفُ الْكِتَابِ: کتاب را گردآوری و تألیف کرد.

أَلْفٌ بَيْنَهُمْ: میان‌شان دوستی برقرار ساخت.

أَلْفُ الْأَلْفِ: شماره چیزی را به یک هزار رسانید.

أَلْفُ الْحُكُومَةِ: دولت را تشکیل داد.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدَ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ: شاعر مصری، احمد شوقی دربارهٔ معلم گفته است:

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفُهُ التَّبَجُّلُ يَا  
أَعْلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي

برای معلم برخیز و احترامش را کامل به جا بیاور  
آیا شناخته‌ای (سراغ داری) شریف‌تر یا باشکوه‌تر (کران‌قدرتر) از کسی که  
چیزی نم‌انده بود که معلم پیامبر باشد  
جان‌ها و خردها را می‌سازد و پدید می‌آورد؟

### ☆ المَعْجَم ☆ برگرد

سَوْرَةٌ : تخته سیاه سُلُوكٌ : رفتار ضَرٌّ : زیان رساند (مضارع: يَضُرُّ) عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي) عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست‌شناسی فَكَرٌ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ) قَمٌّ : برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ) كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ) مَجَالٌ : زمینه مُشَاغِبٌ : شلوغ‌کننده و اخلاص‌گر وَاقِفٌ : موافقت کرد (مضارع: يُوَاقِفُ) وَقَى : کامل کرد (مضارع: يُوقِي) «وَقْفُهُ التَّبَجُّلُ: احترامش را کامل به جا بیاور.» هَمَسٌ : آهسته سخن گفت (مضارع: يَهْمِسُ)	أَجَلٌ : گران‌قدرتر إِرْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ) إِسْتَمَعَ : گوش فرا داد (مضارع: يَسْتَمِعُ) إِلْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ) الْتِفَاتٌ : روی برگرداندن الْتَفَتَ : روی برگرداند (مضارع: يَلْتَفِتُ) الْفَ : نکاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ) أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ) تَارَةً : یک بار = مَرَّةً تَبَجُّلٌ : بزرگداشت تَعَنَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به منظور به سختی و لغزش انداختن تَنَبَّهَ : آگاه شد (مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ حِصَّةٌ : زنگ درسی، قسمت حَجَلٌ : شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ) سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)
---	---

### □ حَوْلَ النَّصِّ □ برگرد

كَمْ أَكْتُبُ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ.

(مهران به سوی چه کسی رفت؟)

۲- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟ بِأَدَبٍ.

(نشستن در برابر معلم چگونه باید باشد؟)

۳- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟ مُشَاغِبًا قَلِيلَ الْأَدَبِ.

(اخلاق دانش‌آموزی که به عقب برمی‌گشت چگونه بود؟)

<sup>۳۰</sup> قام، يقوم، قَم

<sup>۲</sup> . ترجمه مولف کتاب: نزدیک است که معلم پیامبر باشد.

<sup>۳</sup> تارة بعد تارة : گهگاه، گاه و بی‌گاه



- ۴- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟ مَنِهَ الْمُرِيدِ .  
(اسم کتابی که مهراَن در زمینه تعلیم و تربیت خواندش چیست؟)
- ۵- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى  
(در کدام زنگ دانش‌آموزان به استاد شیمی گوش فرا می‌دادند؟)

### بِعِلْمِهَا بَرَكِيدُ

#### أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

❖ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، مَا، إِنْ» معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد. فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد.

این ادوات در معنای فعل و جواب شرط و گاهی در شکل ظاهر آنها تغییراتی را ایجاد می‌کند؛ مثال:

مَنْ يَفْكَرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَايَا غَالِبًا . هر کس پیش از سخن گفتن بیندیشد، غالباً از اشتباه در امان می‌ماند.  
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

إِنْ تَحْتَمِلُوا الْأَخْرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ. اگر به دیگران احترام بگذارید، دوستی آنها را بدست می‌آورید.  
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

❖ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

إِنْ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿۲﴾ الطلاق: ۲  
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هر کس به خداوند توکل کند، پس همان او را بس است.

❖ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن فعل ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

۲ کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید از آثار اخلاقی، تربیتی و آموزشی است. شهید ثانی در میانه سده دهم هجری و در سال ۹۵۴ ق. این کتاب را نوشته است. این کتاب، بیانگر روابط بین معلم و شاگرد و در بیان فضیلت دانش‌ورزی است. این کتاب به زبان عربی بوده و بارها در ایران، عراق، هند و لبنان چاپ شده است. بارگذاری کتاب: [adel-ashkboos.mihanblog.com/post/1390](http://adel-ashkboos.mihanblog.com/post/1390)

۳۴ معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «مَا» و «إِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با

این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه‌های انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ وَ تَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. ←

«...يَفْعَلُ... تَفْعَلُ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ وَ تَفْعَلَانِ» حذف می‌کنند. این

حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲ يتوكل: توکل کند (چون فعل شرط است به صورت مضارع التزامی ترجمه شده است).

۳ حسب: بس، کافی

هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.



﴿مَنْ هَرَكَسَ﴾ مثال:

مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.



﴿مَا هَرَچَه﴾ مثال:

مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.



مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته ای برای آخرت می‌یابی.



﴿إِنْ أَكْرَ﴾ مثال:

إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی ات موفقیت به دست می‌آوری.



﴿إِذَا هَرَگَاهُ، أَكْرَ﴾؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:

إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

### کهاختر نفسك: ترجمه ما يلي، ثُمَّ عَيَّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۱۰

هر آنچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خداوند می‌یابید.

أَدَاةَ الشَّرْطِ: مَا / فِعْلَ الشَّرْطِ: تَقَدَّمُوا / جَوَابَ الشَّرْطِ: تَجِدُوا

۲- ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّد: ۷

اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و کام‌هایتان را استوار می‌سازد.

أَدَاةَ الشَّرْطِ: إِنْ / فِعْلَ الشَّرْطِ: تَنْصُرُوا / جَوَابَ الشَّرْطِ: يَنْصُرُ

۳- ﴿وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

و هرگاه نادانان ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

أَدَاةَ الشَّرْطِ: إِذَا / فِعْلَ الشَّرْطِ: خَاطَبَ / جَوَابَ الشَّرْطِ: قَالُوا

۴- إِنْ تَزْرَعُوا الْعُدْوَانَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.

اگر دشمنی بکارید، زیان درو می‌کنید.

أَدَاةَ الشَّرْطِ: إِنْ / فِعْلَ الشَّرْطِ: تَزْرَعُوا / جَوَابَ الشَّرْطِ: تَحْصُدُوا

❖ ما يلي: آنچه می‌آید / ما تَقْدَمُوا: هر چه از پیش بفرستید / يَثْبُتْ: استوار می‌سازد / خَاطَبَ: خطاب کرد / سَلَامًا: سخن آرام

## که التمارین برکرد

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

۱- التَّعَنُّتُ طَرَحُ سُؤَالٍ صَعْبٍ يَهْدَفُ إِجَادَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْؤُولِ.   
 مچ گیری، مطرح کردن سوالی سخت با هدف ایجاد سختی برای کسی که مورد سوال واقع شده است.

۲- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعَنَاصِرِ.   
 زیست شناسی، علم مطالعه خصوصیات عنصرهاست.

۳- الْأَلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.   
 روی برگرداندن همان سخن پنهانی بین دو نفر هست.

۴- أَلْسَبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَّابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.   
 تخته سیاه، لوحی در مقابل دانش آموزان است که روی آن نوشته می شود.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرَجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ وَ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱- ﴿وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ۳۳  
 ﴿﴾ و هر آنچه از خیر و خوبی انفاق کنید قطعاً خداوند نسبت به آن آگاه است. (المَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ: خَيْرُهُ)

۲- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ، لَا يَنْقُضُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 ﴿﴾ هر کس علمی به دیگری بیاموزد، پاداش کسی را دارد که به آن عمل کند، از پاداش عمل کننده کاسته نمی شود.  
 (بدون اینکه از پاداش عمل کننده چیزی کاسته شود) / (اسْمُ الْفَاعِلِ: الْعَامِلِ)

۳- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ<sup>۸</sup>  
 ﴿﴾ مردم دشمن آنچه نمی دانند هستند. / (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدَةٌ: أَعْدَاءُ مَفْرَدَةٌ "عَدُوٌّ")<sup>۳</sup>

۴- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 ﴿﴾ هرگاه عقل تمام شود، سخن کم می شود. (الْفَاعِلُ: الْعَقْلُ / الْكَلَامُ) (الْفَاعِلِ)

۵- أَلْعَالِمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتًا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ<sup>۹</sup>  
 ﴿﴾ دانشمند هرچند مرده باشد، زنده است. / (الْمَبْتَدَأُ: الْعَالِمُ وَ الْخَبَرُ: حَيٌّ)<sup>۳</sup>

۶- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ<sup>۱</sup> (اسْمُ الْمَكَانِ وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)  
 ﴿﴾ به خاطر پدر و معلمت از جایت برخیز اگرچه فرمانده باشی. / (اسْمُ الْمَكَانِ: مَجْلِسٌ وَ اسْمُ الْفَاعِلِ: مُعَلِّمٌ)

<sup>۳</sup> أَجْرٌ: پاداش، مزد

<sup>۴</sup> جَهْلٌ: ندانست

<sup>۵</sup> وَ إِنْ: هرچند، اگرچه / أَلْمَيِّتُ: مُرَدَةٌ

<sup>۶</sup> قُمْ: برخیز ( قام - يقوم - قُمْ)

<sup>۷</sup> وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: اگر چه فرمانده باشی



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَصَدَّر	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْمَاضِي
الْإِنْقَاذُ: نجات دادن	أَنْقَذْ: نجات بده	يُنْقَذُ: نجات می‌دهد	قَدْ أَنْقَذَ: نجات داده است
الْإِتِّعَادُ: دور شدن	لَا تَتَّبِعْ: دور نشو	لَا يَتَّبِعُ: دور نمی‌شود	إِتَّبَعَهُ: دور شد
الْإِنْسِحَابُ: عقب نشینی کردن	لَا تَنْسَحِبْ: عقب نشینی نکن	سَيَنْسَحِبُ: عقب نشینی خواهد کرد	إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد
الْإِسْتِخْدَامُ: به کار گرفتن	إِسْتَحْدِمْ: به کار بگیر	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	إِسْتَحْدَمَ: به کار گرفت
الْمُجَالَسَةُ: هم نشینی کردن	جَالِسْ: هم نشینی کن	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
الْتَذَكُّرُ: به یاد آوردن	لَا تَذَكَّرْ: به یاد نیاور	يَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورد	تَذَكَّرَ: به یاد آورد
الْتَعَايِشُ: همزیستی کردن	تَعَايِشْ: همزیستی کن	يَتَعَايِشُ: همزیستی می‌کند	تَعَايَشَ: همزیستی کرد
الْتَحْرِيمُ: حرام کردن	لَا تُحْرِمْ: حرام نکن	يُحْرِمُ: حرام می‌کند	قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَغِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِيِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٍ. هَذَا الْمُكَيَّفَانِ، تِلْكَ الْحِصَّةُ، أَوْلَئِكَ مُسْتَمِعُونَ، هُؤْلَاءِ جُنُودٌ، هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ.

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْحِصَّةُ	هَذَا الْمُكَيَّفَانِ	هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ	أَوْلَئِكَ مُسْتَمِعُونَ.	هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٍ.	هُؤْلَاءِ جُنُودٌ.

نکته: هرگاه بعد از اسم اشاره، اسم دارای "ال" بیاید؛ آن اسم اشاره «مفرد» معنا می‌شود و به اسم دارای ال، مشاراً الیه گویند.

هرگاه بعد از اسم اشاره، اسم نکره بیاید؛ آن اسم اشاره «مبتدا» و اسم نکره نقش «خبر» و مرفوع را دارد.

اسم اشاره + ال = ترکیب است.	اسم اشاره + نکره = جمله است.
هَذَا الْمُكَيَّفَانِ، (این دو کولر)، تِلْكَ الْحِصَّةُ، (آن زنگ)، هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ، (این دو بلیط)،	هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٍ. (اینان موفق هستند). أَوْلَئِكَ مُسْتَمِعُونَ. (آنان گوش دهنده هستند). هُؤْلَاءِ جُنُودٌ. (اینان، سرباز هستند).

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَغِّ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمْتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= #)

وَدَّ / بَعَدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَایَةَ / عِدَاوَةَ / احْتِرَامَ / اَحْيَاءَ / مَرَّةً / نَفَعَ / ذَنْبَ / هَرَبَ

إِثْمٌ = ذَنْبٌ	تَبَجُّيلٌ = احْتِرَامٌ	تَارَةً = مَرَّةً	حُبٌّ = وُدٌّ
فَرٌّ = هَرَبٌ	أَمْوَاتٌ ≠ أَحْيَاءٌ	دَنَا ≠ بَعَدَ	قُمْ ≠ اجْلَسْ
صَرٌّ ≠ نَفَعَ	بِدَايَةٌ ≠ نِهَایَةَ	سَكَّتَ ≠ تَكَلَّمَ	صِدَاقَةٌ ≠ عِدَاوَةٌ



التَّمْرِينِ السَّادِسِ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ البقرة: ۱۹۷  
و آنچه را از کار نیک ..... ، خدا آن را می داند (از آن آگاه است).  
انجام دهید / أداة الشرط : ما / فعل الشرط : تفعلوا / و جواب الشرط : يعلم

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ النساء: ۷  
اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی .....  
می کنید (کرده اید) / أداة الشرط : إن / فعل الشرط : أحسنتم / و جواب الشرط : أحسنتم

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الأنفال: ۲۹  
اگر پروای خدا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل .....  
قرار می دهد / أداة الشرط : إن / فعل الشرط : تتقوا / جواب الشرط : يجعل

۴- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
هرگاه خشمگین شدی، .....  
سکوت کن // أداة الشرط : إذا / فعل الشرط : غضبت / جواب الشرط : اسكت

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش .....  
پاسخ می دهد / أداة الشرط : مَنْ / فعل الشرط : سأل / جواب الشرط : أجاب

التَّمْرِينِ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمَشَاغِبُ	۵	هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.
۲- الْحِصَّةُ	۱	هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النُّظْمَ.
۳- الْفُسُوقُ	۴	مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ.
۴- الْأَجْرُ	۳	تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ، وَ ارْتَكَبَ الْمَعَاصِي.
۵- الْإِلْتِفَاتُ	۶	أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.
۶- السُّلُوكُ		

۲- الْحِصَّةُ  
هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النُّظْمَ. ۱- الْمَشَاغِبُ  
کسی که مشکلات را سبب می شود و به نظم زیان می رساند: اخلاص گر (شلوغ کار)  
تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ، وَ ارْتَكَبَ الْمَعَاصِي. ۳- الْفُسُوقُ  
ترک فرمان خداوند و انجام گناهان: آلوده به گناه  
مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ. ۴- الْأَجْرُ  
آنچه در برابر کار کارگر یا کارمند داده می شود: پاداش

۴ فرقان : جدا کننده حق از باطل

هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ. ۵- أَلَا تَأْتِيكَ  
همان حرکت دادن صورت به راست و چپ: روی برگرداندن  
أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ. ۶- أَلْسُلُوكُ  
کارهای انسان و اخلاقش: رفتار

الْتَّمِرِينَ السَّابِعُ: أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْيَاء	أَنْفُسُ	أَخْلَاقُ	مَعَاصِي
مَعْصِيَةٌ	حَيٍّ	نَفْسٍ	خُلُقٍ	مَعْصِيَةٌ
جُنُودٌ	أَعْدَاءُ	نَاجِحَاتُ	بِطَاقَاتٍ	جُنُودٌ
جُنْدِيٌّ	عَدُوٌّ - عَادِي	نَاجِحَةٌ	بِطَاقَةٌ	جُنْدِيٌّ
خَوَاصُّ	أَسْعَارُ	فَسَاتِينُ	أَقْدَامُ	خَوَاصُّ
خَاصَّةٌ	سِعْرٌ	فُسْتَانُ	قَدَمٌ	خَاصَّةٌ
عُيُوبٌ	سِرَاوِيلُ	أَسْمَاءُ	عُيُوبٌ	عُيُوبٌ
غَيْبٌ	سِرْوَالٌ	إِسْمٌ	غَيْبٌ	غَيْبٌ
إِخْوَانٌ	أَفْضَلُ	بِهَائِمٌ	عِبَادٌ	إِخْوَانٌ
أَخٌ	أَفْضَلُ	بِهِيمَةٌ	عَبْدٌ	أَخٌ
تَرَائِبٌ	مُسْتَمِعُونَ	أَعْمَالٌ	جُمَلٌ	تَرَائِبٌ
تَرْكِيْبٌ	مُسْتَمِعٌ	عَمَلٌ	جُمْلَةٌ	تَرْكِيْبٌ

- جُنُودٌ (لشکریان، سپاهیان، سربازان) چند دسته سرباز) مفردش: جُنْدٌ (لشکر، سپاه، سربازان) یک دسته سرباز))
- اما مفرد «جُنْدٌ» می‌شود: جُنْدِيٌّ (سرباز)
- اسم جنس اسمی که دارای معنای جمع است و از لفظ خود شکل مفرد نیز دارد؛ این مفرد با افزودن تاء و یاء نسبت به آخر بدست می‌آید. مانند: مفرد جُنْدٌ (جُنْدِيٌّ) / عَرَبٌ (عَرَبِيٌّ) / تَفَّاحٌ (تَفَّاحَةٌ)

### الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

برگرد

إِبْحَثْ فِي كِتَابِ «مَنْيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ.

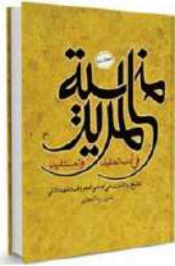


#### ■ منیة المرید

کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، کتابی در حوزه اخلاق اسلامی می باشد که یکی از آثار زین الدین ابن علی العاملی معروف به شهید ثانی می باشد.

📖 تقسیم ابواب و فصول کتاب منیة المرید:

أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ سَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ الْإِمَامُ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



مقدمه: پیرامون فضیلت علم و روایات وارده در آن می باشد.  
 باب اول: در آداب معلم و متعلم بحث شده است.  
 باب دوم: آداب مفتی و مستفتی و فتوی را بیان نموده است.  
 باب سوم: آداب و آفات و شروط مناظره را گوش زد می کند.  
 باب چهارم: روش کتابت را بیان نموده است.  
 خاتمه: در اقسام علوم شرعی و مراتب آن سخن گفته شده.  
 متمم کتاب: شامل وصایای مولف به عموم طلاب است.

حتما بخوانید: کتاب آداب المتعلمین

موضوع کتاب، آداب متقابل معلم و متعلم و نیز آداب تعلیم و تعلم در اسلام است. این کتاب منبع بسیاری از آثار پس از خود بوده و به جهت اهمیت آن دارای شروح و حواشی، ترجمه های متعدد و تلخیص هایی می باشد. این کتاب شریف از دیر باز تا کنون، کانون توجه دانشمندان و علمای شیعی بوده است.  
 جناب شهید ثانی از نوادگان علامه حلی و جزو فقهای نامدار شیعه بوده است. از ایشان تالیفات بسیاری بر جای مانده که مهمترین آنها کتاب (الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة) در باب فقه جعفری با بیانی نیمه استدلالی، به رشته تحریر در آمده است.  
 شهید ثانی در ابتدای کتاب تاریخ اتمام تالیف آنرا روز پنج شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۹۵۴ یعنی یازده سال قبل از شهادتش، در سن ۴۵ سالگی به پایان رسانده است.

در بیان فضیلت این کتاب بزرگان زیادی از جمله ابن العودی، میرزای شیرازی، محدث بحرانی، مقدس اردبیلی و بسیاری دیگر از علما قلم زنی کرده اند و به تمجید و تعریف این کتاب شریف پرداخته اند.  
 ما نیز در این مجال متذکر کلام میرزای شیرازی می شویم. ایشان می فرمایند:  
 چقدر شایسته است که اهل علم مواظبت نمایند به مطالعه این کتاب و متادب شوند به آداب مزبوره در آن.  
 شهید ثانی تلخیص جامعی از این کتاب ارائه نموده اند که آنرا (بغیة المرید) نامگذاری کرده اند.  
 کتاب منیه المرید بارها توسط علما و بزرگان دین ترجمه، شرح و یا به صورت منظوم در آمده که بهترین ترجمه فارسی آن به قلم جناب حجه الاسلام سید محمد باقر حجتی به رشته تحریر در آمده است.  
 بهترین ترجمه منظوم نیز، با نام (محاسن الاداب) توسط شیخ عبد الرحیم شوشتری به زبان عربی نوشته شده است.  
 ونیز بهترین شرح که بر این کتاب نوشته شده است کتاب (سراج المبتدئین فی علوم آل محمد المعصومین) می باشد که با قلم و بنان سید محمود دهرخی تالیف شده است.  
 بازنویسی و خلاصه کتاب با عنوان، المراد من منیه المرید توسط جناب حجت الاسلام سید محمد رضا طباطبایی و ترجمه آن با نام آیین دانشوری نیز چند سالی است که منتشر گردیده و جزو متون درسی طلاب شده است که می بایست در سال دوم طلبگی طلاب به مطالعه این کتاب بپردازند.  
 امید است که انشاءالله همه دانش آموزان عزیز با مطالعه این کتاب خود را به زیور اخلاق اسلامی در ضمن تعلیم علم، مزین کنند.

#### ■ مشخصات کتاب ■

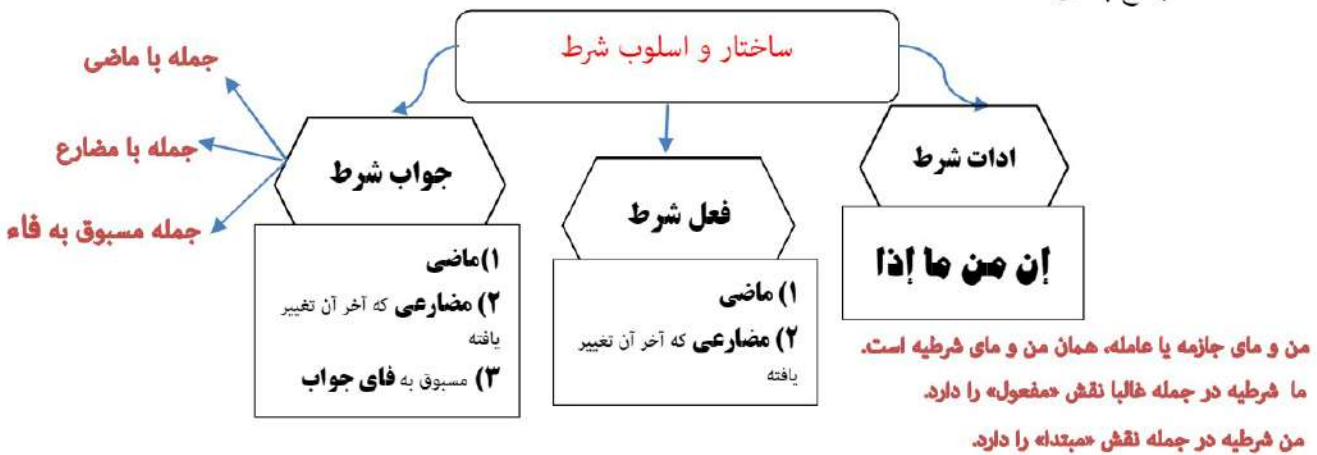
آداب تعلیم و تعلم در اسلام: ترجمه گزارش گونه کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید از شهید ثانی  
 مولف: سید محمدباقر حجتی | شهید ثانی  
 ناشر کتاب: دفتر نشر فرهنگ اسلامی  
 قطع: رقعی / سال نشر: ۱۳۹۱ / تعداد صفحات: ۷۷۱

#### ■ معرفی کتاب

این کتاب حاوی موضوعات زیر می باشد:  
 زندگی نامه شهید ثانی  
 آغاز ترجمه کتاب منیه المرید در شرف و فضیلت علم و دانش و دانشمندان و دانشجویان از دیدگاههای مختلف  
 باب اول: آداب و وظائف معلم و شاگرد  
 نوع دوم: آداب و وظائف ویژه معلم  
 نوع سوم: آداب و وظائف ویژه شاگرد  
 باب دوم: آداب فتوی و مفتی و مستفتی

باب سوم : در مناظره و شرایط و آداب و آفات آن  
 باب چهارم : آداب و آئین نگارش و نگاهداری کتاب که ابزار علم و دانش است  
 خاتمه : درباره مطالب مهم و باارزش  
 مطلب دوم : درجات و مراتب اهمیت علوم دینی و مسائل مربوط به آن  
 مطلب سوم : ترتیب و تسلسل علوم دینی در رابطه بامحصل و دانشجو  
 تتمه کتاب : سفارش و اندرزهای شهید ثانی به دانشجویان  
 پیوست ترجمه کتاب منیة المرید در: آداب سکنی و اقامت در مدارس می‌باشد.

جمع بندی:



<p>جواب شرط، جمله اسمیه باشد.                  جواب شرط، فعل امر و یا نهی یا استفهام باشد.                  جواب شرط با اداتی مانند: «لم، لن، ما» شروع شده باشد.                  جواب شرط با «س و سوف» همراه باشد.                  جواب شرط با «قد+ فعل ماضی» همراه باشد.</p>	<p><b>مواردی که «ف» بر</b>  <b>نصر جواب شرط می‌آید:</b></p> <p>اگر جواب شرط با «ف» شروع شده، هیچ تغییر برای فعل ایجاد نمی‌کند.</p>
---	--

- بین فعل شرط و جواب شرط با حروفی مثل « و ، ثم یا ویرگول » فاصله نمی‌افتد.
- «إن تنصروا الله ينصرکم و یتبیت أقدامکم.»: إن: ادات شرط- تنصروا: فعل شرط- ينصر: جواب شرط است. یتبیت بعد از «و» آمده، پس جواب شرط نیست.